

سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم و الثلاثیه (جلد اول: بین القصرین)

دکتر ناصر نیکوبخت

دکتر غلامحسین غلامحسین زاده

خانم دکتر کبری روشنفکر

دکتر حنان محمد موسی طاحون (مصر) دانشگاه قاهره

چکیده

ادبیات آینه تمام نمای فرهنگ و تمدن و بیانگر شیوه تفکر و زندگی هر ملتی است. ایران و مصر دو تمدن بزرگ و کهن جهان هستند و در طول تاریخ روابط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشته‌اند. دین اسلام عنصر مشترکی است که به پیوند این دو کشور عمق بیشتری بخشیده است. برای تبیین عناصر مشترک فرهنگی و اندیشگانی بویژه در حوزه ادبیات، می‌توان به مقایسه تطبیقی ادبی مشترک دو کشور پرداخت.

از آنجا که رمان‌نویسی در هر دو کشور جریانی نوپا تلقی می‌شود و نویسندگان معاصر هر دو کشور تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و آشنایی با فرهنگ غرب بدان گرایش پیدا کرده‌اند، می‌تواند در این زمینه موضوعی درخور پژوهش باشد.

در این رساله کوشیده شده نقش زن در رمان ایرانی (شوهر آهو خانم علی محمد افغانی) و رمان مصری (بین القصرین نجیب محفوظ) بررسی و تحلیل شود و علاوه بر بررسی شگردهای هنری رمان‌ها، به شیوه شخصیت پردازی و نوع اندیشه پدیدآورندگان آن‌ها درخصوص جایگاه زن پرداخته شود.

روش تحقیق این رساله توصیفی-تحلیلی، با رویکرد مقایسه‌ای است و نتیجه تحقیق حاکی از آن است که شخصیت‌های اصلی رمان‌های مذکور زنانی‌اند که در جامعه‌ای مردسالار تحت ستم هستند؛ این جوامع با نگاهی تحقیرآمیز به آزادی، آرزوها، علایق و امیال آنان می‌نگرند و حق و حقوق آنان را پایمال می‌کنند. از آنجا که نویسندگان ایرانی و مصری به موازات پیشرفت و پسرقت میهن ایمان دارند و رعایت حقوق زنان، با به تصویر کشیدن ستمی که بر آنان از سوی مردان و جامعه روا می‌شود، و با طراحی زن آرمانی‌شان با مشخصات ویژه‌ای که برای او قائل می‌شوند، ارزش‌های نامتعارف این جامعه را زیر سؤال برده و جامعه را به تجدید نظر درباره زنان فرا می‌خوانند. مشخصاتی مانند شجاعت، بی‌پروایی، ایستادگی در برابر ظلم و زورگویی جامعه، میهن‌پرستی، استقلال، وفاداری، مهربانی، برخورداری از آگاهی سیاسی و اجتماعی و قدرت تصمیم‌گیری و غیره. قهرمانان اصلی رمان‌ها دارای صفات مثبت و منفی‌اند و نویسندگان کوشیده‌اند بر واقعی بودنشان تأکید کنند. آنان شخصیت پویایی دارند ولی با توجه به تفاوت مشخصات درونی هر کدام، پویایی‌شان نیز متفاوت است.

واژگان کلیدی: زن، رمان، علی محمد افغانی، نجیب محفوظ، شوهر آهو خانم، سووشون، بین القصرین

www.anjomanfarsi.ir

مقدمه

شخصیت زن موجودی بسیار حساس و عاطفی است و می‌تواند تمام نکات منفی و مثبت جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کند با صداقت هر چه تمام‌تر و بدون هیچ گونه تحریف منعکس کند. بزرگی گفته‌است: اگر می‌خواهید به میزان تکامل یک جامعه پی‌ببرید، نگاهی به روابط زن و مرد آن جامعه بیفکنید». (اریابی، ۱۳۷۸: ۱۹۸) و بر همین اساس، زن تنها موجودی است که نویسنده می‌تواند با ترسیم شخصیت او، تاریخ جامعه، نواقص، و تناقضات آن را به خوبی بیان کند.

زندگی در جوامع ما بسیار پیچیده است و جوانب اخلاقی، فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در یکدیگر تأثیر دارد و با زندگی انسان امروز که شامل جنبه‌های مختلف اعم از عاطفه، فکر و احساسات است، ربط دارد. رمان تنها ژانری است که می‌تواند تمامی این موارد را در خود بگنجانند و با توصیف آن‌ها، راه حلی برای آن پیدا کند. همچنین رمان می‌تواند تمام جنبه‌های ذات بشری را به تصویر بکشد. (الهوری، ۱۹۹۳: ۳۱)

بیان مسأله: موضوع اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی دو رمان فارسی با دو رمان مصری - بر اساس موضوع آن - درباره نقش زنان از دیدگاه نویسندگان رمانهاست. رمان ایرانی شوهر آهو خانم نوشته علی محمد افغانی ۱۳۴۰

ش/ ۱۹۶۲ م با رمان مصری بین القصرین / میان دو کاخ ۱۹۵۶ م / ۱۳۳۴ ش، نوشته نجیب محفوظ که موضوع هر دو رمان اجتماعی است؛ در ماجراهای هر دو رمان، وضعیت زن در چهارچوب شکل سنتی خانواده هر دو جامعه نماینده شده است.

سؤال‌های اصلی

مهم‌ترین ویژگی‌های زن آرمانی در رمان‌های مورد نظر کدامند؟
وجوه تشابه دیدگاه نویسنده ایرانی (علی محمد افغانی) با نویسنده مصری (نجیب محفوظ) چیست؟
وجوه تمایز نگرش نویسنده ایرانی (علی محمد افغانی) با نویسنده مصری (سیمین دانشور) نسبت به زن چیست؟
روش تحقیق: روش انجام تحقیق توصیفی تحلیلی است. و ابزار گردآوری مطالب اسنادی-کتابخانه‌ای است.

معرفی نویسنده

علی محمد افغانی از نویسندگان پیش‌کسوت عرصه ادبیات داستانی معاصر است. او در سال ۱۳۰۴ هـ ش. (کازرونی، ۱۳۷۳: ۷). او نخستین نویسنده ایرانی است که موفق شد در این رمان، زن ایرانی را به طور کامل و با تمام ابعاد وجودی، تفکرات، تمایلات، حسادت‌ها و آرزوهایش به تصویر بکشد. افغانی می‌گوید: «آیا تا کنون کسی وجود داشته‌است که این وحشیگری آشکار و این ماجرای کین‌توزانه را که بر زن ایرانی می‌گذرد، بنویسد و در جایی ثبت کند؟». (علوی، ۱۳۴۲: ۱۴۱)

معرفی رمان

این رمان شکل سنتی خانواده ایرانی و وضعیت زن ایرانی را در چهارچوب سنت‌ها و قراردادهای مسلط بر خانواده و جامعه به خصوص در طبقه متوسط به نمایش می‌گذارد (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۸۳). رمان شوهر آهو خانم (غمنامه زن ایرانی) به شمار می‌رود (سپانلو، ۱۳۷۱: ۱۷۰).

معرفی شخصیت اصلی زن در رمان

آهو: او سیمای اصیل و واقعی زن ایرانی را به نمایش می‌گذارد؛ سیمای زنی زحمتکش، خانه‌دار و ذلیل که با وفاداری و پاکدامنی عمری را در خانه شوهرش گذرانده، با خوب و بدش ساخته و برای او فرزندان آورده‌است و در عوض همه این زحمات، شوهر بر سر او هوو می‌آورد.

تیپ‌شناسی www.anjomanfarsi.ir

آهو خانم زنی سنتی، خانه‌دار و تحصیل‌نکرده است. حتی ظاهر آهو خانم نیز به سبک سنتی است. زندگی زناشویی میران با آهو نیز سنتی به شمار می‌آید؛ زیرا محبت‌ها و احساسات خود را به یکدیگر بروز نمی‌دهند. آهو به اطاعت کورکورانه از همسر اعتقاد دارد و مثل زنان سنتی، همسرش را «مشهدی» صدا می‌کند.

صفات مثبت و منفی شخصیت اصلی

آهو خانم «در اصل زن پرهیزکار، زحمت‌کش، پاک‌طینت و قانعی بود». (۵۰۵) وظیفه‌شناسی آهو خانم و علاقه‌اش به نظم و ترتیب، به کانون گرم خانواده‌اش آرامش لازم را می‌بخشد. (۶۱) او زن «مراقب و گوش به زنگی» است؛ هر شب قبل از خواب، خودش مطمئن می‌شود که تمام درها و پنجره‌ها بسته باشد. (۲۱۸) او مسالمت‌جو، خوش‌قلب و پاک‌طینت و دلش از غیبت و حسادت‌ها خالی است. (۷۹) پاک‌نژاد، بی‌آزار، (۲۶۳) مقتصد، (۲۸۳) خویشتن‌دار و همسر دوست است (۲۲۵) و با وجود همه ظلمی که همسرش به او کرده‌است، در برابر دیگران از او دفاع می‌کند.

صفت منفی‌اش، به عقیده سیدمیران، سادگی اوست. (۱۸۰) به عقیده خود آهو ایرادش - که باعث شد، سید هوو سرش بی‌آورد - این بود که به همسرش آنچنان که باید رسیدگی نمی‌کرد و از عشقی که «مانند چینی شکستی» (۳۰۲) است، مراقبت نکرد.

آهو با استناد به برداشت‌های غلط از مذهب، اطاعت از همسر را امری مسلم تلقی می‌کند: مرد، خدای کوچک زن است، هر چه بکند بر او ایرادی نیست (۵۱۵)

بنابر این زنان هم در تثبیت وضعیت نابرابریشان در مقابل مردان نقش دارند؛ تربیت نسل‌ها به عهده مادران است، آهو با این رفتارها و تفکراتش به کلارا دخترش یاد می‌دهد که مانند خودش، چون زن است، باید مطیع و منفعل باشد و به بهرام القا می‌کند که چون مرد است، زمام امور خانواده در دست اوست و در آینده می‌تواند حق و حقوق زنش را زیر پا بگذارد.

نوع شخصیت اصلی از نظر پویایی / ایستایی

درخواست کمک از کربلایی عباس و میرزا نبی، فرستادن مهدی نزد سید به نشانه شفاعت، الگوگیری از هما در پرداختن به ظاهر خود برای جلب توجه همسر و خواهش و التماس به او کارهایی بود که آهو خانم در ابتدا بدان‌ها متوسل می‌شود گویی بی‌مهری همسرش بر صبر و تلاشش می‌افزاید و در راه مبارزه‌ای که خود آن را انتخاب کرده‌است، ثابت‌قدم می‌سازد.

اما وقتی همه آنها را کم‌نتیجه و بلکه بی‌نتیجه می‌بیند، تصمیم می‌گیرد نسبت به سید و هما بی‌تفاوت و خون‌سرد باشد و آنها را به حال خود بگذارد. روزگار به جایی می‌رسد که هما از سید می‌خواهد دیگر پیش آهو نرود، آن وقت آهو تصمیم می‌گیرد که از تسلیم و گذشت را کنار بگذارد و راه مقاومت را پیش بگیرد و از حق مسلم خود دفاع کند. اما اینبار هم با خشونت همسرش مواجه و از خانه و زندگی چندین ساله رانده می‌شود.

آهو خانم دوباره کناره‌گیری را می‌گزیند و تصمیم می‌گیرد به اتفاق بچه‌هایش به شهر سراب برود؛ ولی وقتی از تصمیم میران مبنی بر ترک کرمانشاه و رفتن به تهران باخبر می‌شود، عزمش را جزم می‌کند و با جسارت هرچه تمام‌تر برای دفاع از حق پایمال شده خود و فرزندانش، خود را به سید می‌رساند و جنجالی بر پا می‌کند و سید را برمی‌گرداند (۸۰۷) و -پس از فرار هما با راننده ماشین- در آرامش در کنار همسر و فرزندان، به زندگی سابق خود برمی‌گردد.

نمادپردازی در شخصیت اصلی

آهو خانم نماد زن‌های مظلوم ایرانی است. همچنین نویسنده در پایان رمان تاریخ رفتن هما را به تاریخ رفتن شاه ربط می‌دهد و اشاره می‌کند که زندگی جدیدی در انتظار ایران و آهو است.

نام شخصیت اصلی

آهو خانم به آهو (حیوان) شبیه است؛ برای استخراج مشک از آهو، باید غده آن به قدری بزرگ شود که باعث درد آهو شود و او با ساییدن بدن خود به سنگ، پوست خود را پاره می‌کند و غده را از بدن خود خارج می‌کند. آهو خانم نیز همین‌طور است؛ بحران او به قدری بزرگ شده که باعث دردی تحمل‌ناپذیر شده است. به همین دلیل صفت‌های خوبی که سال‌هاست در باطن او دفن شده است، پدیدار می‌شود و می‌تواند از زنی منفعل و بی‌شخصیت به زنی متشخص و تصمیم‌گیر تبدیل شود و خود و خانواده خود را از مهلکه نجات دهد.

ه- خلق شخصیت اصلی بر اساس واقعیت‌نگاری یا خیال‌پردازی

افغانی در این رمان از عوالم رازگونه زنان، دعوای دو هوو و کتک‌کاری شوهر با زنش به خوبی اطلاع دارد؛

طوری که خواننده می‌تواند وارد جزئیات صحنه‌های رمان بشود و شخصیت‌های آن را جلو چشمانش مجسم کند. آدم‌های افغانی واقعی‌اند؛ از مجموع صفت‌ها و رفتارهای هر شخصیت، آدم کامل و صحیح پدید می‌آید. شخصیت‌های او شخصیت‌های مطلقاً خوب و بد نیستند؛ بلکه وجودشان آمیخته‌است از خیر و شر. (افغانی، ۱۳۸۶: ۷)

«آدم‌های این رمان ساخته و پرداخته ذهن نویسنده نیستند، همگی وجود خارجی دارند و با همه گوشت و خون و پی خود زنده‌اند. در این جان‌های پر آشوب که با ما آشنا و مأنوس‌اند، هیچ چیز غیرعادی و خصوصیات خارق‌العاده نیست» (پرهام، ۱۳۴۰: ۹۷۱) رمان شوهر آهو خانم سرشار از نمونه‌های واقعی زن ایرانی است. (افغانی، ۱۳۸۶: ۹)

آهو خانم زنی ملموس و واقعی و نمونه زن سنتی ایرانی است و چهره واقعی زنان زحمت‌کش و ستم‌دیده جامعه را مجسم می‌کند. او کدبانویی تمام عیار، صبور و فداکار است که در چهارچوب جامعه مردسالار، حق و حقوقی ندارد و این باعث می‌شود از طرف همسر تحقیر و خوار شود. افغانی در جای‌جای رمان، خواننده را با مرارت‌ها، رنج‌ها و سختی‌هایی که آهو متحمل شده‌است، آشنا می‌کند. (واحد، ۱۳۸۴: ۲۱۶) خواننده حضور شخصیت اصلی را در کنار خود حس می‌کند (همان: ۲۲۲) و غم و غصه‌ها و دردهای او را با تمام وجود درک می‌کند. اکبر رادی، رمان را ستوده و بر این عقیده‌است که افغانی موفق شده‌است، چهره واقعی و کامل زن ایرانی در این رمان بیافریند. (اربابی، ۱۳۷۸: ۲۱۹).

تأثیر شخصیت نویسنده در خلق شخصیت اصلی رمان

این رمان حاصل تجارب خود نویسنده و بعضی از یادداشت‌هایی است که مربوط می‌شود به اتفاق‌هایی که برای خانواده پدرش افتاده و به دست خود پدر و اقوامش نوشته شده‌است. سیدمیران سرابی، همان حسین‌قلی پدر نویسنده‌است و قهرمان اصلی رمان «آهو»، مادر افغانی است و به تبع آن بهرام، کسی نیست غیر از خود نویسنده‌است. خود افغانی می‌گوید «من از شخصیت‌های کسانی که در زندگی‌ام حضور داشتند، متأثر شدم؛ مثلاً نقش میرزا نبی را از یکی از همکاران پدرم که سواد داشت و شاهنامه می‌خواند، الهام گرفتم». (کریمی مهر، ۱۳۸۸: ۳۶۷)

نویسنده، تمام اتفاقات رمان را مشاهده و درک کرده‌است. او با شخصیت‌های رمان که آنها را می‌شناخت از نزدیک آشنایی داشت؛ طرز برخورد و تفکرشان، قیافه‌هایشان، حرف‌هایشان و نحوه زندگی‌شان را لمس کرده‌است. (کازرونی، ۱۳۷۳: ۷-۸)

شخصیت آهو خانم به کلی عوض می‌شود و با اصرارش بر اینکه زندگی از دست داده‌اش را به دست بیاورد و با برگرداندن همسرش به خانه، در پایان از پوسته انفعالی‌اش به در می‌آید و از موجودی مطیع و توسری‌خور به زنی پویا و دارای اعتماد به نفس تبدیل می‌شود.

www.anjomanfarsi.ir

نقش شخصیت اصلی

آهو خانم دارای چندین نقش است

۱- نقش خانوادگی

آهو خانم هرچند او در بیرون از خانه فعالیت ندارد؛ در خانه نقش بسیار مؤثر و مهمی داشته‌است. «کار یک بند، عنفوان جوانی آن را از زیبایی انداخته بود. در خمیر ترنجیده بود. آب‌نمک خشک و قهوه‌ای و چروک‌چروکش کرده بود. جلوی ساج سوخته و برشته گردیده بود. در یخبندان زمستان کبود و شیارشیار شده بود». (۴۴۸) با وجود بی‌اعتنائی سیدمیران به آهو و فرزندانش، وقتی هما به کلاس خیاطی می‌رفت، خوشحالی آهو به این بود که وعده‌های غذا را درست کند و برای سیدمیران و هوویش بفرستد. (۴۴۱)

او «به خاطر احساس مسئولیت در مقابل آینده بچه‌ها حتی یک دم آسودگی نداشت»؛ (۴۴۸) از آغاز تا پایان داستان، درست مادری کردن برای آهو همواره در اولویت است. رسیدگی‌اش به بچه‌ها و بر طرف کردن مشکلات آنان بر توجه به همسر و مراقبت از عشق او غلبه پیدا می‌کند. آینده فرزندان، تنها عاملی است که در پایان رمان باعث

ایجاد تحول در شخصیت آهو و تبدیل کردن او به شخصیتی فعال و پویا می‌شود. با اینکه ازدواج مجدد سیدمیران «مانند چکش بر مغز آهو فرود آمد»، (۲۶۵) می‌کوشید خود را غمگین نشان ندهد؛ زیرا به عقیده وی «اشکی که از مژگان مادر می‌چکد قطره مذابی است که قلب کودک را سوراخ می‌کند». (۲۷۲)

۲- نقش سیاسی

آهو خانم از سیاست کشورش کاملاً به دور بود. اتفاقات سیاسی نیز با زندگی‌اش کاملاً بی‌ربط بود. فقط در پایان رمان، رفتن هما از زندگی آهو برای همیشه، اشاره‌ای است به رفتن شاه رضا پهلوی از ایران و آغاز زندگی جدیدی برای آهو.

۳- نقش اجتماعی

آهو خانم در حدی متعارف با محیط بیرون از خانواده ارتباط دارد. مردان برای رفتن به مهمانی‌ها، زنان را با خود نمی‌بردند - زیرا عقیده داشتند زن باید در حصار خانه حبس باشد و به کارهای خانه برسد- و برای همین آهو در میهمانی‌های مردانه، از پس پرده حضور دارد مگر اینکه خانوادگی باشد؛ آن وقت با زنان اختلاط دارد. (۷۶) زنان، مجالس زنانه برپا می‌کنند؛ او در محافل و مجالس زنانه که هرچند وقت یکبار برای عیش و تفریح یا مناسبت‌های مذهبی برگزار می‌شود، از برخی مسائل باخبر می‌شود.

۴- نقش اقتصادی

اوایل ازدواج، در زمانی که مشکل مالی دارند، آهو شبانه‌روز در نانوائی کار می‌کند تا اینکه همسرش به همت او از دوره‌گردی و فروش نان به مرحله ریاست صنف نانوائیان می‌رسد و زندگی‌شان رونق می‌گیرد. پس از مدتی با وجود اینکه خانه‌دار شده‌اند، آهو از طریق کارهایی چون گیوه‌بافی، وصله‌پینه کهنه‌پاره‌ها و صرفه‌جویی‌های روزانه، پس‌انداز می‌کند و در موقع لزوم با آن به همسرش کمک می‌کند. (۷۰۲)

آهو نسبتاً از استقلال اقتصادی برخوردار است و حتی در موقع نیاز، از پس‌اندازی که از راه تولیدات خانگی به‌دست آورده‌است، به همسرش می‌بخشد. (۵۹۰)

زن آرمانی

نویسنده زن آرمانی را از مجموع صفت‌های خوب آهو و هما ترتیب داده‌است؛ صفاتی چون عشوه‌گری و زیبایی مانند زیبایی هما، «با قوت و قدرتی سحرآسا» که مرد را برمی‌انگیزد و در کالبد او اکسیر جوانی می‌دمد و مهربانی و باوفایی مانند صفات آهو که هستی‌بخش مرد و فرزندان اوست و «به او آرامش دل و تسلی خاطر» می‌دهد. (۲۹۱)

معرفی نویسنده رمان بین‌القصرین

نجیب محفوظ، «پیشوای رمان» یا «شاهزاده رمان عربی»، (وادئ، ۲۰۰۶: ۹) در سال ۱۹۱۱ در منطقه «جمالیه» قاهره و در خانواده‌ای سنتی و متدین چشم به جهان گشود. (همان، ۱۵)

معرفی رمان

بین‌القصرین (میان دو کاخ) رمان اول از مجموعه الثلاثیه (سه‌گانه) نجیب محفوظ است. رمان بین‌القصرین مرحله ایمان مطلق و تبعیت کامل از آن را نشان می‌دهد؛ از ایمان به خداوند در زمینه دین گرفته تا ایمان به سعد زغلول در زمینه سیاست و ایمان به پدرسالاری در زمینه خانوادگی. (وادئ، ۱۹۹۴: ۲۵۷) محفوظ در این رمان، سیر تحول وضع زن و جامعه مصری و کشاکش زن و جامعه مصری با برداشت‌های غلط از مذهب اسلام و اصول متعارف جامعه را منعکس می‌کند. (العشماوی، ۲۰۰۵: ۱۱)

معرفی شخصیت اصلی زن رمان

أمینه در این رمان، بحران زن مصری را خلاصه می‌کند. أمینه، همسر احمد عبدالجواد -یکی از تاجران بزرگ عطاری- و مادر چهار فرزند تنی (خدیدجه، فهمی، عایشه و کمال) و یک فرزند ناتنی (یاسین) است. او اوج وجودش را در متلاشی شدن در اراده مرد حس می‌کند، (عبد...، ۱۹۷۶: ۱۳۲) در حاشیه حوادث خانوادگی به سر می‌برد، قدرت انتخاب ندارد، با او مشورت نمی‌شود، حق تصمیم‌گیری ندارد.

تیپ‌شناسی

تیپ أمینه، تیپی سنتی است. زندگی أمینه در زندگی همسرش ادغام و اراده‌اش در اراده او متلاشی شده است. او از دنیای خارج آگاهی ندارد و برای همین سؤالاتی درباره آن از بچه‌هایش می‌پرسد که بسیار ساده است. او به سیاست توجه نمی‌کند و فقط در مورد اعضای خانواده‌اش فکر می‌کند. (ج. جومیه، ۱۹۵۹: ۴۹)

صفات مثبت و منفی شخصیت اصلی

أمینه با همه بسیار مهربان است؛ زیرا هیچ‌گاه درباره کسی سوءظن به دلش راه نمی‌دهد. او بین آدم‌ها فرق نمی‌گذارد؛ با خدومه نیز بسیار خوش‌برخورد است. أمینه حتی از انگلیسی‌ها نفرت ندارد؛ بلکه تنها دعا می‌کند که از میهن بیرون بروند.

او با کنترل نفس، توانسته است کاشانه خود را از خطرات احتمالی محفوظ دارد. احمد عبدالجواد، با وجود عیاشی‌هایی که داشت، همیشه پیش او برمی‌گشت و در درونش احساس می‌کرد که کانون گرم خانواده بر محور أمینه می‌چرخد و بدون او بر باد می‌رود؛ زیرا أمینه همواره تمام اعضای خانواده را زیر سایه خود جمع می‌کند و از دل و جان مایه می‌گذارد تا در خانه احساس امنیت کنند و دغدغه خاطر نداشته باشند.

او همچنین زنی بسیار صادق است و وقتی استخوان ترقوه‌اش بر اثر تصادف با ماشین آسیب می‌بیند، ابا دارد که دروغ بگوید و با اینکه عاقبت کارش را می‌داند، همه چیز را برای همسرش تعریف می‌کند. خواستگار خدیجه، برخلاف اصول متعارف جامعه، پیش از خواستگاری او را می‌بیند. خوی پاک أمینه نمی‌پذیرد که این اتفاق را از همسرش پنهان کند و با وجود اینکه می‌داند که ممکن است با این اعتراف، تنها خواستگار دخترش را از دست بدهد، برای او ماجرا را تعریف می‌کند. احمد بر خلاف اعتقاداتش و برای همین صفت نیک أمینه، جواب مثبت می‌دهد. (۳۵۲-۳۵۳)

وقتی یاسین فرزند ناتنی أمینه با دختر دوست پدرش، زینب، ازدواج می‌کند، او برای اولین بار در رمان نقش مادرشوهر را به عهده می‌گیرد و از رفتارها و کردارهای زینب که در خانه پدرش، آزاد بوده و اصول جامعه را زیر پا می‌گذاشته است، اظهار نفرت می‌کند. روزی یاسین به همراه زینب به یکی از تئاترهای معروف می‌روند. أمینه از روی غیرت و پایبندی به اصول و رسم و رسوم خانواده، آن اتفاق را به گوش همسرش می‌رساند و باعث تنبیه شدن آنان می‌شود. او در آن شب از سرشت خود چیزهایی می‌فهمد که قبلاً متوجه آن نشده بود. (۳۵۸) جنبه شرور او بر جنبه فرشته‌خوی او غلبه پیدا می‌کند و در این زمان خواننده برای اولین بار با خصلت‌هایی مانند نفرت و غضب در وجود او آشنا می‌شود. شایان ذکر است که اتفاق اخیر بر جنبه واقعی بودن شخصیت أمینه تأکید می‌کند؛ او فرشته نیست بلکه انسان است و صفتهای مثبت و منفی دارد.

نوع شخصیت اصلی از نظر پویایی / ایستایی

شخصیت أمینه پویاست. پیشرفت حوادث، جنبه‌های مختلف شخصیت او را به تدریج آشکار می‌کند. در هر رفتاری یا حرفی معنی خاصی پیدا می‌شود که جنبه‌ای از تفکر یا برخوردش را ترسیم می‌کند طوری که با چهارچوبی که نویسنده برای او تعیین کرده است، هماهنگی دارد. (وادئ، ۱۹۹۴: ۲۸۰)

أمینه در جواب به سلطه سرورش، توانسته با قدرت سازگاری‌اش، عالمی جدا از عالم ظلم همسرش بسازد؛

عالمی که خودش محور و مرکز آن است، عالمی که در آن فرزندان‌اش اطرافش هستند. او هر روز عصر مجلس قهوه‌خوری مهیا و فرزندان‌اش را دور خود جمع می‌کند تا حرف‌های نگفته‌شان را به هم بزنند. (۶۰-۶۱) به دنبال این مجلس و پس از اینکه فهمی و یاسین از خوردن قهوه فارغ می‌شوند، آمینه با دخترانش خدیجه و عایشه خلوت می‌کند و به حرف‌های محرمانه زنانه می‌پردازند. (۷۳)

او پشت بام خالی را با ساختن خانه‌های کوچک برای مرغ‌ها و کبوترها و پرورش آن‌ها و با ساختن باغچه و گلخانه‌ای کوچک، پر از گلهای رنگارنگ، به بهشتی تبدیل کرده است. وقتی برای پرندگان بذر می‌پاشد و مرغ‌ها به سمت آن می‌شتابند، خوشحالی و سعادت بی‌ظنری وجودش را دربرمی‌گیرد. آمینه آن‌ها را نوازش می‌کند و احساس می‌کند که او را می‌فهمند و متأثر می‌شوند. موقع ذبح، آمینه با ناراحتی یکی از آن‌ها انتخاب می‌کند، به او آب می‌دهد و بسم‌الله می‌گوید و استغفار می‌کند؛ ولی به یاد می‌آورد که خداوند این نعمت را به بندگانش بخشیده است و تسلی می‌یابد. خیال آمینه به مرغ، گیاه و اشیاء، شخصیت انسانی می‌بخشد. او مطمئن است که این موجودات تسبیح خداوند را می‌گویند و با عالم ارواح ارتباط دارند. (۴۰-۴۱)

سرکشی‌های آمینه فقط گاهی در درونش شکل می‌گیرد و با ترس و لرز فوراً خاموش می‌شود. او همواره در فشار است و وقتی سرکشی می‌کند در پایان مجبور می‌شود در برابر سلطه همسر و اصول جامعه تسلیم شود؛ اولین نشانه سرکشی آمینه زمانی است که می‌گوید: «سرورم الآن کجاست و چه می‌کند؟». (۱۰) ولی در همان لحظه به یاد عکس‌العمل‌های خشن همسرش در بدو زندگی زناشویی‌شان می‌افتد و در همان لحظه می‌گوید: «هر جا که هست سلامت باشد». (همان)

آمینه از وضعیت خود راضی نبود؛ بلکه در حد انفجار سرکش بود؛ ولی این سرپیچی را پشت چهره آرامش پنهان می‌کرد و این پناهگاهی بود که از او در برابر شر دیکتاتور حمایت می‌کرد. در مدت ۲۵ سال، آشفتشانی را در خود دفن کرده بود و در انتظار فرصتی بود تا منفجر شود و این فرصت با رفتن همسرش بیرون از قاهره و با تشویق یاسین که با ذکر نام امام حسین - که ارادت خاصی به او داشت - جرقه اول را زد، به دست آمد. (سرور، ۲۰۰۷: ۲۴۰) این زیارت، گام اول آمینه برای آزادی است. پس از ازدواج عایشه، آمینه از سرورش اجازه می‌خواهد تا به اتفاق خدیجه پیش او برود. در واقع آمینه امید داشت که این ازدواج آغاز دوران آزادی او باشد. احمد به او این اجازه را می‌دهد و پس از آن نیز اجازه می‌دهد که آمینه پس از زایمان عایشه، برای کمک به او از خانه بیرون برود. آمینه توانسته است خانه را از خانه‌ای مرده و بی‌چیز به کانونی گرم و پر از محبت و سعادت و شادی که در آن زندگی جریان دارد، تبدیل کند. اتاق تنور جای مورد علاقه اوست؛ در این اتاق، احساس می‌کند که ملکه‌ای بی‌شریک است: «(آتش) تنور به دستور وی زنده می‌شود و می‌میرد و سرنوشت این سوخت اعم از زغال و هیزم، به دست وی است... او در اینجا مادر، همسر و هنرمندی است که همگی به دست‌پختش با اطمینان چشم می‌دوزند». (۲۰) نکته مهمی این است که سرورش تنها موقعی از او تعریف می‌کند که غذایی خوب بپزد و برای همین بیشتر به این اتاق علاقه دارد.

سرکشی آمینه به سرکشی فهمی منجر می‌شود. فهمی - دور از چشم پدر - مبارزی استقلال‌طلب و ضداستعمار است. وقتی پدرش از این ماجرا باخبر می‌شود، به او دستور می‌دهد که دست از مبارزاتش بردارد؛ ولی فهمی سرسختانه و شجاعانه از میهن‌پرستی‌اش در برابر پدر سالار دفاع می‌کند و برای اولین بار در رمان کسی پیدا می‌شود که از دستور احمد عبدالجواد سرپیچی کند. (۴۸۳-۴۹۰)

نمادپردازی در شخصیت اصلی

آمینه نماد میهن است؛ نویسنده زندگی آمینه را در این رمان، در سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۹، به نمایش می‌گذارد؛ او دوردور اتفاقاتی را که برای آمینه می‌فتد به اتفاقات میهن ربط می‌دهد؛ رفتن آمینه به ضریح امام حسین و رفتن حزب وفد به انگلیس، بیرون کردن آمینه از خانه و تبعید رهبر ملت، سعد زغلول، سلطه و فشار احمد عبدالجواد بر آمینه و

ظلم استعمارگران انگلیسی بر ملت مصر، و عکس‌العمل‌های آرام‌آرام آمینه نسبت به رفتارهای خشن احمد عبد الجواد و تلاشش در اینکه زندگی مستقلی از استبداد او داشته باشد و تظاهرات مبارزان مصری و فعالیتهای سیاسی مخفیانه‌شان علیه استعمارگران و تلاش‌شان در اینکه زندگی مستقلی داشته باشند.

نام شخصیت اصلی:

نام آمینه از امانت‌داری شخصیت او حکایت می‌کند و اینکه ظاهر و باطنش یکی است. آمینه در خانه‌داری، بچه‌داری و همسر‌داری امانت را رعایت می‌کند. او هیچ‌گاه راز فسق و فجور همسرش را برای کسی فاش نمی‌کند.

هـ- خلق شخصیت اصلی بر اساس واقعیت‌نگاری یا خیال‌پردازی

محفوظ اعتقاد دارد که نمی‌توان شخصیت را فقط از طریق قوه مخیله آفرید؛ اگر نویسنده شخصیتی را از نزدیک بشناسد یا درباره او شنیده یا خوانده باشد و از او الهام بگیرد، چنین شخصیتی واقعی است؛ ولی تأمل تنها چیزی است که به آن بعدهای مختلف می‌بخشد؛ طوری که آن را -در لابه‌لای اثر هنری- واقعی‌تر ترسیم می‌کند. آن وقت نویسنده با شخصیت همساز می‌شود و آن را در قالبی جدید در چهارچوب موقعیتهای مختلف می‌گذارد و زبان، روایت، گفتگو، حدیث نفس را زیر سلطه خود در می‌آورد؛ (حسن، ۱۹۹۷: ۳۵-۳۶) میزان تأثیر شخصیت نویسنده و اطرافیان او در خلق این رمان -که در بخش بعدی با ذکر مثال‌هایی به آن اشاره شد- توجه محفوظ را بر واقعیت‌نگاری تأیید می‌کند.

نجیب محفوظ آمینه را از طبقه متوسط ترسیم کرده است؛ آن طبقه‌ای که خود نویسنده به آن تعلق دارد و در بین فرزندان این طبقه زندگی کرده و با آنان اختلاط داشته است. (روشنفکر، ۱۴۲۵: ۶۰) آمینه از نظر رسوم اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی و پایبند بودن به اصول جامعه، نمونه بسیاری از زنان مصری در آن زمان به شمار می‌آید.

محفوظ در رمان بین‌القصرین، دنیای خاص زنان رقااص را توصیف می‌کند. او با زنان رقااصی که برای برگزاری مناسبت‌های مختلف به خانه‌شان می‌آمدند، آشنا بود. (السکوت، ۲۰۰۷: ۴۸) او درباره زنان رقااص می‌گوید: «اغلب زنان منحرف به دلیل فقر شدید، تن‌فروشی می‌کنند... مردان در اغلب موقعیتهای مسئول منحرف شدن زنان

(هستند). (الغیطانی، ۱۹۸۰: ۱۱۰)

نجیب محفوظ، مکان حوادث رمان‌هایش را بر اساس زادگاهش، محله جمالیه، یکی از منطقه‌های مسجد امام حسین و افراد، خاطرات و اتفاقات آن مکان انتخاب کرده است. او برای هر قسمت از «الثلاثیه» نام یکی از محله‌های مجاور مسجد امام حسین را نهاده است. محفوظ می‌گوید «عشق من به قاهره قدیمی بی‌نظیر است... این منطقه‌ها به من الهام می‌دهد. وقتی در این مکان‌ها می‌نشینم، حوادث رمان‌ها در ذهنم تجسم پیدا می‌کند. به نظرم، باید به جایی خاص یا به چیزی خاص وابستگی پیدا کرد تا نقطه‌رهایی عواطف و احساسات باشد؛ زیرا برای ادیب مهم است که چیز درخشانی باشد که به او الهام دهد». (همان: ۲۰) او می‌افزاید: «الجمالیه جایی بود که همیشه مرا به خود می‌کشید و همواره مشتاق آنجا بودم». (همان، ۱۵)

در مکان‌های پایین شهر، محفوظ با زنان مختلفی آشنا شد؛ مادر و همسر وفادار، فالگیر، پارچه‌فروش، بیوه دل‌زنده، زن سرکش بی‌قید و غیره. او می‌گوید: «زن در زندگی و ادبیات نقش بزرگ‌تری دارد تا سیاست». (زهیری، ۲۰۰۲: ۱۱۱)

تأثیر شخصیت نویسنده در خلق شخصیت اصلی رمان

آمینه و همسرش، همسایه نویسنده بودند. (همان: ۱۱۱) شوهر خواهرش از اهالی جنوب و به مردسالاری معروف بود. (التقاش، ۱۹۹۸: ۲۱) عمویش با زنان روابط نامشروع داشت. (همان: ۲۲) کمال، خود محفوظ است؛ خود او می‌گوید: «کمال، بخشی عظیم از شخصیت من است و من آن بخش را در شخصیت او منعکس کرده‌ام» (قرنی، ۲۰۰۵: ۲۰) و «من کمال عبدالجواد در الثلاثیه هستم... کمال بحران فکری‌ام را منعکس می‌کند» (شکری، ۱۹۸۷: ۱۷) «در الثلاثیه، اغلب

ویژگی‌های خودم را در شخصیت کمال عبدالجواد منعکس کرده‌ام. بحران کمال، همان بحران خودم است و جنبه بزرگی از کوشش و تلاش خودم؛ عشقم به الثلاثیه و شوقم به آن رمان، از همانجا نشأت می‌گیرد». (الغیطانی، ۱۹۸۰: ۶۸)

محفوظ، همچون کمال، شاگرد مدرسه خلیل‌آقا بود و در آنجا زبان انگلیسی و فرانسه را از طریق معلمان اروپایی کاملاً آموخت و به تشویق استاد زبان عربی‌اش، در این دوران، شاهکارهای ادبیات عرب را همچون کتاب البیان و التبیان از جاحظ، الکامل و الأمالی از ابی‌علی‌القالی، العقدافرید از ابن‌عبدربه، المختار و المنتخب من أدب العرب به اهتمام طه حسین و غیره مطالعه کرد. (السکوت، ۲۰۰۷: ۳۸)

مادر نجیب محفوظ محور زندگی او در دوران کودکی بود و در شکل دادن شخصیت و فرهنگ او نقش به‌سزایی داشت. نجیب فرزند آخر خانواده بود و به همین دلیل مادرش همواره به او توجه خاصی داشت؛ (قرنی، ۲۰۰۵: ۱۷) از این رو به مادرش بسیار وابسته بود؛ (همان: ۱۸) کمال نیز چنین است.

مادر محفوظ دختر شیخ فارغ‌التحصیل دانشگاه أزه‌ر و بی‌سواد بود (السکوت، ۲۰۰۷: ۱۷) محفوظ می‌گوید: «مهربانی مادرش وجودش را در برمی‌گرفت و گرمی این مهربانی را تا سن هشتاد سالگی حس می‌کرد»؛ (همان: ۴۶) آمینه نیز بی‌سواد است و دختر شیخ أزه‌ری. او نیز در رمان بسیار مهربان و خوش‌رفتار است.

«زنانی پیش مادرم می‌آمدند که طلسم درست می‌کردند و جادوگری می‌کردند»؛ (قرنی، ۲۰۰۵: ۲۴) آمینه نیز خدمتکارش را پیش طالع‌بین می‌فرستاد تا از آینده خدیجه و تاریخ ازدواجش او را با خبر کند. او نیز با طلسم، جادو و تعویذها از بچه‌های کوچکش محافظت می‌کرد.

محفوظ افسوس می‌خورد از اینکه آمینه زنی جاهل و فراموش‌شده است؛ ولی در عین حال به او احترام می‌گذارد و از زحماتش قدردانی می‌کند؛ گویا که در شخصیت فرشته‌خوی او، تصویر مادر خود را می‌بیند. (وادئ، ۱۹۹۴: ۲۸۰) البته نجیب می‌گوید: «مادرم برعکس آمینه نسبت به زنان هم‌دوران خود آزادتر بود؛ اما شباهت‌هایی هم به آمینه دارد». (قرنی، ۲۰۰۵: ۱۷)

محفوظ در مورد انقلاب ۱۹۱۹ که در دوران کودکی‌اش اتفاق افتاد می‌گوید: «انقلاب ۱۹۱۹ بزرگ‌ترین اتفاقی بود که آرامش کودکی را به لرزه درآورد. دبستانم رو به روی مسجد امام حسین بود و از آن مدرسه به تماشای تظاهرات می‌نشستم. نیروهای انگلیس را دیدم و صدای شلیک را شنیدم و جنازه‌ها و زخمی‌شده‌ها را در میدان بیت‌القاضی دیدم... دوران کودکی‌ام در رمان تا حدی منعکس شده است». (الغیطانی، ۱۹۸۰: ۱۵) او همچنین می‌افزاید: «حزب وفد، حزب ملی ما بود. هر کسی می‌گفت که وفدی نیست، به نظر کافر می‌آمد؛ زیرا این حزب گویای قضایای ملی و اجتماعی بود». (همان: ۷۶) در رمان بین‌القصرین، نویسنده، انقلاب ۱۹۱۹ را از مهم‌ترین حوادث رمان می‌داند و آن را به حادثه مهمی که برای آمینه رخ داده است، ربط می‌دهد و همچنین فهمی در راه این انقلاب شهید می‌شود و رمان همانجا خاتمه می‌یابد.

تظاهراتی هم که فهمی در آن شهید می‌شود، واقعی است: «آن، یکی از تظاهراتی بود که نزدیک باغ ازبکیه برگزار شد؛ نیروهای انگلیس با وجود اینکه به تظاهرکنندگان اعم از دانشجویان، کارگران و قاضیان اجازه تظاهرات داده بودند، ناگهان به سوی ایشان شلیک کردند و بسیاری از آنان را کشتند». (همان: ۷۶)

نقش شخصیت اصلی

آمینه دارای چندین نقش است:

۱- نقش خانوادگی

عکس‌العمل آمینه به ظلمی که در حقش می‌شود این است که خود را درون خانه حبس کند و به کارهای خانه بپردازد؛ زیرا خارج از حوزه آشپزخانه و تنور «در حد شیء تنزل پیدا می‌کند» و این در حد خود نوعی «سرکشی» به

شمار می‌آید. (سرور، ۲۰۰۷: ۳۵) آمینه توانسته است، دور از ظلم عبدالجواد، عالمی برای خود بسازد که خود، محور آن باشد.

در واقع وجود آمینه در خانه به زندگی فرزندانش نظم می‌بخشد و نبودش این نظم را به هم می‌ریزد؛ این امر در زمان بستری شدن آمینه بر اثر تصادف، کاملاً هویدا است. بعد از صرف صبحانه، آمینه کارهای خانه را بین دخترانش تقسیم می‌کند؛ (۳۸) باین حال به دلیل وسواسی که دارد پس از تمام شدن کار دختران، خود جارو و دستمال دست می‌گیرد و دوباره در اتاق‌ها می‌چرخد تا مطمئن شود که کار به نحو احسن انجام شده است. (۳۹)

برنامه هر روز آمینه این است که صبح زود برای وضو و نماز بیدار می‌شود. صبح‌ها ضربه‌های خمیر او، فرزندان را از خواب بیدار می‌کند. هر روز صبح به پشت بام می‌رود، سپس صبحانه درست می‌کند. بعد از ظهر به کارهای خانه می‌پردازد. برای عصرانه مجلس قهوه‌خوری برپا می‌کند. شب‌ها به کمال در درس خواندن کمک می‌کند. نصف شب‌ها چراغ به دست به استقبال همسر می‌رود، لباس و کفش او را درمی‌آورد و آن را با دقت مرتب می‌کند، پاهای او را در تشت می‌گذارد و ابریق به دست می‌ایستد، تشک از زیر تخت بیرون می‌کشد و جلو کاناپه می‌گذارد تا روی آن بنشیند؛ زیرا به نظر او از ادب به دور است که کنار همسرش بنشیند. این کارها را به مدت ۲۵ سال با همت خستگی‌ناپذیر و با خوشحالی انجام می‌دهد و برای همین همسایگان به او لقب «زن‌بور» داده‌اند. (۱۴) می‌توان گفت که کارهای تکراری آمینه که در واقع بن‌مایه فکری رمان به حساب می‌آید، حوادث رمان را پیش می‌برد؛ خواننده، رمان را از طریق آمینه درک می‌کند.

محفوظ، تصویر درخشانی از آمینه ترسیم می‌کند گویا که فرشته‌ای مقدس است. محفوظ یکی از نویسندگان انگشت‌شمار جهان عرب به‌شمار می‌آید که شخصیت مادر را با مهارت و دقت ترسیم می‌کند و جایگاه او را چنان بالا می‌برد؛ که به مرحله تقدیس می‌رسد. (روشنفکر، ۱۴۲۵: ۶۰)

نویسنده در اشاره به عوامل وراثت و محیط، مهربانی و سربه‌زیر بودن آمینه را میراث مادرش می‌داند. فرزندان آمینه نیز فرمان‌برداری، ترس، متدین بودن، مادری و خانه‌داری را از مادرشان به ارث برده و یا آموخته‌اند؛ خدیجه به خانه‌داری، فهمی به آرامش، عایشه به احترام به مردم و عشق به آنان، کمال به تدین و یاسین به وابسته بودن به خانواده‌اش معروف است. آمینه از نظر مشخصات ظاهری و باطنی بسیار به مادرش شبیه است، خدیجه و کمال کوچکی چشم‌ها و عایشه کوچکی بینی‌اش را از مادر به ارث برده‌اند.

آمینه مانند شمعی است که می‌سوزد تا راه را برای اعضای خانواده عزیزتر از جان‌ش روشن کند. او تنها کسی است که فرزندان برای خواسته‌ها و نیازهایشان به او پناه می‌برند؛ زیرا او حلقه اتصال بین آنان و پدرشان است و تنها کسی است که می‌تواند با نرمی و حالتی تسلیم‌گونه مسائل را با احمد در میان بگذارد. وقتی او این نقش را به عهده می‌گیرد، از موجود زنده فلج‌شده به موجودی شجاع تبدیل می‌شود (نجیب محفوظ و الفن الروائی، ۲۰۰۲: ۵۱) اگرچه در برابر مخالفت‌های همسرش هیچ‌گونه اعتراضی هم نمی‌کند اما این نقش را به نحو احسن ایفا می‌کند.

وقتی خواننده سرگرم جلسه‌های قهوه‌خوری عصرانه آمینه و فرزندانش می‌شود، آرزو می‌کند که چنین مادری داشته باشد؛ مادری که این‌گونه با فرزندانش همبستگی دارد. هر روز پس از اینکه مردان خانواده صبحانه را خوردند، زنان شروع به خوردن می‌کنند و آن موقع تنها موقعی است که زنان با هم خلوت می‌کنند و از رازهای دلشان که حیا آنان را از گفتن در حضور مردان بازمی‌دارد، پرده برمی‌دارند.

۲- نقش سیاسی

قضیه احتلال مصر برای آمینه از چهارچوب ملی‌اش خارج است و قضیه‌ای شخصی به حساب می‌آید: وقتی او متوجه می‌شود که پسرش فهمی در راه آزادی میهن بر علیه استعمارگران مبارزه می‌کند، نگران می‌شود و از فهمی خواهش می‌کند که دست از مقاومت بردارد و وقتی سربازان انگلیس همسرش را به نقل خاک و مسدود کردن حفره‌ای وادار می‌کنند، (۵۱۵-۵۲۰) از آنان متنفر می‌شود. وقتی فهمی به دست انگلیسی‌ها به شهادت می‌رسد،

آمینة «مانند کوهی که ریزش می‌کند، وجودش متزلزل می‌شود و هیچگاه از اینکه فهمی در راه میهن به شهادت رسیده است، تسلی نمی‌یابد». (عبد...: ۱۹۷۶: ۱۳۸ و ۱۳۹)

وقتی احمد ماجرای دستگیر شدنش را برای آمینة تعریف می‌کند - طوری که گویا که به شکست خود اعتراف می‌کند - آمینة می‌گرید؛ (۵۲۱) زیرا می‌بیند که سرور و خدای او از جایگاه بالایش در برابر چشمانش سقوط کرده است و می‌بیند که او مانند سایر آدم‌ها ضعیف و عاجز است؛ زیرا خود او نیز تلخی به اجبار دور ماندن از خانه و فرزندان را چشیده است - او احساس سعد زغلول را - از این جهت که در تبعید از خانه و فرزندان دور شده است - درک می‌کند و به همین دلیل در استقبال از او کِل می‌کشد.

۳- نقش اجتماعی

در این رمان به طور استثنا شخصیت اصلی به دلیل حبس بودنش در خانه، فاقد نقش اجتماعی است.

زن آرمانی

در نگاه اول خواننده احساس می‌کند که زن آرمانی از نظر نجیب محفوظ کسی است که مانند آمینة از حق و حقوقش چشم‌پوشی کند، در برابر اراده مرد، اراده و آزادی‌اش را از دست بدهد و کاملاً تسلیم او باشد؛ ولی در واقع هدف محفوظ انتقاد از جامعه مردسالار است.

محفوظ در الثلاثیه درباره سیر تحول نسل‌ها صحبت می‌کند. در رمان بین‌القصرین نویسنده موفق شد زن مصری را در اوائل قرن ۲۰ به تصویر بکشد؛ زنی مطیع، متدین، از جن‌ها می‌ترسد، اسیر خانه است و فقط از طریق تعریف‌های همسر و پسرانش از عالم خارجی خبردار می‌شود. می‌خواهد نشان دهد که آمینة دید وسیعی ندارد؛ ولی زنی است که مستحق احترام است؛ زیرا - علاوه بر قدرت سازگاری‌اش با موقعیت ناگوار و ساختن عالم مستقلی که خودش ملکه آن است، طبق ملاک‌های آن زمان، آمینة، همسری بی‌عیب و نقص است پس ایراد از او نیست؛ بلکه ایراد از شرایط فکری و اجتماعی جامعه است. ولی در رمان دوم «قصر الشوق»، زنان (مانند خدیجه و عایشه) به دلیل مشارکت در زندگی سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی، نیمه‌مطیع و مردان (مانند ابراهیم و خلیل) نیمه‌مردسالار می‌شوند و به تبع آن، رابطه زناشویی تغییر می‌کند.

ولیکن محفوظ در رمان السکریه شخصیت سوسن را - که زن یکی از نوه‌های آمینة است - زنی آرمانی معرفی می‌کند؛ سوسن زنی آزاد و خبرنگار یکی از مجله‌ها است که شجاعانه و بی‌پرده، مقاله‌های سیاسی می‌نویسد. او همواره عاقلانه فکر می‌کند و به برابری زن و مرد ایمان دارد و برای همین با همسرش در جلسه‌های سیاسی که مخفیانه برگزار می‌شود، شرکت می‌کند و اطلاعاتی سیاسی پخش می‌کند.

نتیجه‌گیری: www.anjomanfarsi.ir

در رابطه با سؤال اول طرح نویسندگان رمان‌های مورد بررسی با طراحی زن آرمانی‌شان با مشخصات ویژه‌ای که برای او قائل می‌شوند و با سنت‌شکنی، می‌خواهند دیدگاه جامعه مردسالاری را اصلاح کنند. زن آرمانی علی محمد افغانی عشوه‌گر و زیبا «با قوت و قدرتی سحرآسا» است که مرد را برمی‌انگیزد و در کالبد او اکسیر جوانی می‌دمد؛ همچنین مهربانی و وفای او، هستی‌بخش فرزندان و همسر است و «به او آرامش دل و تسلی خاطر» می‌بخشد.

زن آرمانی نجیب محفوظ زنی آزاد با قدرت سازگاری فوق‌العاده با موقعیتی ناگوار است، شجاعانه و بی‌پرده نظریاتش را بیان می‌کند، عاقلانه فکر می‌کند و به برابری زن و مرد ایمان دارد، فعالیت‌های سیاسی دارد و در آزادی میهن شریک است و اعتقاداتش را در برابر موقعیت یا شخص خاصی عوض نمی‌کند.

در پاسخ به سؤال سوم طرح رساله درباره وجه تشابه دیدگاه نویسندگان ایرانی و مصری باید گفت که مشترکات انسانی، مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد. در رمان‌های مورد بررسی، شخصیت اصلی زنی است که در جامعه‌ای مردسالار رنج می‌برد؛ این جامعه ارزش او را در حد یک کالا پایین می‌آورد و با نگاهی تحقیرآمیز به آزادی، آرزوها، علائق و امیال او می‌نگرد و حق و حقوق او را پایمال می‌کند.

وجوه تشابه دیدگاه افغانی و محفوظ

موضوع هر دو رمان شوهر آهو خانم و بین القصرین درباره زنانی است که با وجود صفت‌های پسندیده‌ای که دارند (همچون مهربانی، پاک‌دلی، معصومیت، وفاداری و عشق به همسر و فرزندان)، از سوی همسرانشان خیانت می‌بینند. در رمان اول، سید میران، همسر آهو شخصیت اصلی رمان، بر این خیانت نام «ازدواج مجدد» می‌گذارد و در رمان دوم احمد عبدالجواد، همسر آمینه قهرمان رمان دوم، هر شب با زنان رقااص رابطه نامشروع برقرار می‌کند. هدف افغانی و محفوظ از این مسئله، انتقاد از جامعه مردسالار و توصیف وضعیت اندوه‌بار زنان ایرانی و مصری در آن زمان است. افغانی با تأکید بر ناهنجاری‌های آیین چندهمسری و محفوظ با تأکید بر فرسوده بودن اصول متعارف طبقه متوسط مصری، ستم به زنان را به تصویر کشیده‌اند.

افغانی و محفوظ برای آفریدن شخصیت‌های اصلی، از شخصیت‌های پیرامون خود الهام گرفته‌اند؛ آهو خانم همان مادر نویسنده است، افغانی همان بهرام فرزند بزرگ اوست، آمینه، از نظر اطاعت بی‌چون‌وچرا از همسر، به یکی از همسایگان محفوظ شباهت دارد؛ ولی محفوظ از صفت‌های مادرش نیز برای خلق شخصیت آمینه الهام گرفته است که در فصل چهارم مفصل توضیح داده شده است. شخصیت نویسنده در شخصیت کمال، فرزند کوچک آمینه، منعکس شده است.

آهو خانم و آمینه با توجه به تحصیل کرده نبودن آنان برعکس زری و لیلی، هیچ نقش سیاسی ندارند. در اینجا نقش تحصیل در زندگی زنان و داشتن آگاهی‌های لازم درباره حوادث سیاسی و اجتماعی میهن نمایان می‌شود. ناگفته نماند که نویسندگان، شخصیت‌های اصلی رمان‌هایشان را از شخصیت‌های مادرانشان که زنان عامی بودند، الگو برداری کرده‌اند.

آهو خانم شخصیت پویایی دارد؛ در پایان رمان، شخصیت او، پس از آگاهی از تصمیم شوهرش به فرار با معشوقه، تغییر می‌کند و به شخصیتی نترس و جسور تبدیل می‌شود که شجاعانه از حق پایمال شده خود و فرزندان‌ش دفاع می‌کند. شخصیت آمینه از آغاز رمان تا پایان آن یکنواخت است، او صفت‌های پیش از ازدواج خود را از دست نداده است. اما این به این معنی نیست که شخصیت پویایی ندارد؛ پویایی آمینه با توجه به موقعیت، طرز تربیت و، اصول متعارف طبقه متوسط، هر چند کم‌رنگ است، بیانگر حسن تدبیر و آینده‌نگری اوست.

نویسندگان این دو رمان، انتقام زنان مظلوم را از مردان گرفته‌اند. سید میران پس از ازدواج دوم، از راه راست منحرف می‌شود و به سمت قاچاق و کم‌فروشی نان کشیده می‌شود و به زندان می‌افتد و نیز با آبروریزی در پایان رمان به خانه برگردانده می‌شود. افسران انگلیس، احمد عبدالجواد را نیز در اوج قدرتش، در صحنه‌ای که در آن آن افسران، او را به نقل خاک وادار می‌کنند، خوار و ذلیل می‌کنند.

نویسندگان همچنین به شخصیت‌ها فرصت داده‌اند که در بود مردان سالارشان به هدفشان برسند و آرزویشان را برآورده کنند؛ آهو خانم توانسته است دوباره همسرش را به خانه برگرداند و آمینه نیز پس از به شهادت رسیدن پسر بزرگش (فهمی)، از جانب شوهر مجاز می‌شود که بدون کسب اجازه به خانه دخترانش و زیارت ائمه برود. البته آهو خانم با دست خود سرنوشتش را می‌سازد؛ درحالی‌که در رمان بین القصرین، حوادث سیاسی به آمینه کمک می‌رساند.

وجوه تمایز نگرش افغانی و محفوظ

آهو خانم وقتی متوجه خیانت همسرش می‌شود، سعی می‌کند با روش‌های مختلف اعم از پناه بردن به دوستان، رسیدگی به ظاهر و رسیدگی به همسر مشکل را حل کند و گاهی که مایوس می‌شود، در برابر این مسئله بی‌تفاوت و خونسرد باقی می‌ماند؛ اما آمینه در طول رمان -چه قبل از اینکه متوجه خیانت همسرش شود و چه بعد از آن- هرگز برای اصلاح وضع ناگوار تلاشی نمی‌کند، ماجرا را به روی خود نمی‌آورد و در رفتار و سخن گفتن با همسر ناراحتی‌اش را نشان نمی‌دهد؛ بلکه آرام‌آرام می‌کوشد زندگی مستقلی برای خود بسازد (درباره این موضوع در فصل چهارم با جزئیات توضیح داده شده است)؛ این تفاوت برمی‌گردد به اینکه آهو خانم از آغاز زندگی زناشویی، از نظر

اقتصادی یار و یاور همسر خود بوده و حتی پس از ازدواج برای خود کارهای کوچک و کم‌درآمد دست‌وپا کرده و در دوران نوجوانی زنی زحمت‌کشیده و متکی به‌خود بوده است، علاوه بر این او زنی آزاد است و اسیر خانه نیست و از نظر اجتماعی فعالیت‌هایی دارد. اما آمینه از نظر اقتصادی به همسرش وابسته است؛ او زنی آزاد نیست و بیش از چند بار پایش را از خانه بیرون نگذاشته است. البته طبقه متوسط، علت اصلی تسلیم بودن او به اصول متعارف به شمار می‌آید. تسلیم بودن به اصول متعارف، تنها صفت منفی اوست؛ طوری که او باعث می‌شود احمد عبدالجواد، عروسش را به دلیل زیرپا گذاشتن اصول متعارف جامعه تنبیه کند. محفوظ تربیت اسلامی آمینه را نیز از علل تسلیم او در برابر سلطه همسر می‌داند.

آهو خانم از معایب و نواقص خود آگاه است تا حدی که خود را در خیانت همسرش به او مقصر می‌داند؛ اما آمینه پایبند بودن به اصول فرسوده را عیب نمی‌داند؛ هدف نویسنده تأکید بر این نکته است که فرزندان این طبقه، آن‌قدر در این اصول غرق شده‌اند که نمی‌توانند معایب آن را ببینند. ناآگاهی زنان در کنار شرایط نامناسب اجتماعی به ظلم بیشتری نسبت به آنان منجر می‌شود.

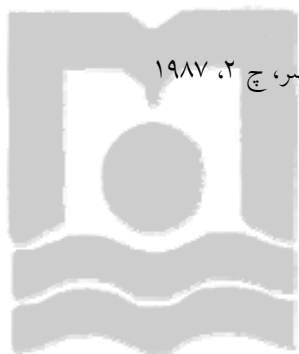
نگاه کلی به رمان‌های مورد بررسی

با نگاه کلی به چهار رمان مورد بررسی، می‌توان گفت که رمان‌های مورد بررسی آینه‌ای هستند که درد و رنج، سکوت، فریاد، طغیان و رهایی زنان در آن دوره را منعکس می‌کنند. نویسندگان توانسته‌اند از بزرگ‌ترین معضل زنان، یعنی عدم استقلال وجودی آنان، پرده بردارند. جامعه مردسالار، زن را قادر به اتخاذ تصمیم نمی‌پندارد و به همین دلیل او را گرفتار حریم خانواده و اسیر اصول و سنت‌های متعارف جامعه و به موجودی انفعالی و مطیع دستورات مرد مبدل می‌کند.

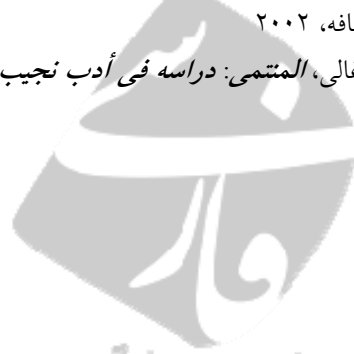
فهرست منابع

- ۱- اربابی، عیسی، *چهار سرو افسانه*: پژوهشی در آثار و اندیشه‌های نویسندگان معاصر، تهران: اوحدی، ۱۳۷۸
- ۲- افغانی، محمد علی، *شوهر آهو خانم*، ج ۲، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۶
- ۳- پرهام، سیروس، *ادبیات معاصر ایران: شوهر آهو خانم*، مجله راهنمای کتاب، ش ۱۰، ص ۴، دی ماه ۱۳۴۰، صص ۹۷۰-۹۷۴
- ۴- کازرونی، جعفر، *تلخیص و نقد آثار علی محمد افغانی: شوهر آهو خانم*، تهران: سهیل، ۱۳۷۳
- ۵- علوی، بزرگ، *شوهر آهو خانم*، مونیخ: مجله کاوه، ش ۵، مرداد ۱۳۴۲، صص ۱۳۴-۱۴۲
- ۶- میر صادقی، میمنت (ذو القدر)، *رمان‌های معاصر فارسی*: پیرنگ، شرح و تفسیر، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۹
- ۷- سپانلو، محمد علی، *نویسندگان پیشرو ایران: از مشروطیت تا ۱۳۵۰ (تاریخچه رمان - قصه کوتاه - نمایشنامه و نقد ادبی در ایران معاصر)*، تهران: نگاه، ۱۳۷۱
- ۸- کریمی مهر، سحر، *گفتگو با علی محمد افغانی*، فصلنامه بخارا، ش ۷۱، ۱۳۸۸، صص ۳۶۳-۳۶۹
- ۹- واحد، اسد ا...، *شوهر آهو خانم و مکتب‌های ادبی*، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۴، صص ۲۰۷-۲۲۹
- ۱۰- روشنفکر، کبری، و صلاح الدین عبدی، *صدی المرأة فی الأعمال النقدیه الواقعیه لنجیب محفوظ*، *مجله العلوم الانسانیه*، ش ۱۱ (۲)، ۱۴۲۵ هـ.ق.، صص ۵۵: ۶۴
- ۱۱- الهواری، أحمد ابراهیم، *نقد الروایه فی الأدب العربی الحدیث فی مصر*، *عین للدراسات و البحوث الانسانیه و الاجتماعیه*، ۱۹۹۳
- ۱۲- وادی، طه، *صوره المرأة فی الروایه المعاصره*، دار المعارف، ج ۴، ۱۹۹۴
- ۱۳- _____، *نجیب محفوظ: أمير الروایه العربیه*، قاهره: دار المعارف، ۲۰۰۶

- ۱۴- العشماوی، فوزیه، *المرأه فی أدب نجیب محفوظ: مظاهر تطور المرأه و المجتمع فی مصر المعاصره من خلال روايات نجیب محفوظ ۱۹۴۵-۱۹۶۷*، قاهره: الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۲۰۰۵
- ۱۵- عبد...، صوفی، *حواء و أربعه عمالقه*، قاهره: الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۱۹۷۶
- ۱۶- ج. جومیه، *ثلاثیه نجیب محفوظ*، ترجمه: نظمی لوقا، قاهره: دار مصر، ۱۹۵۹
- ۱۷- حسن، دیب علی، *نجیب محفوظ بین الاتحاد و الايمان*، بیروت و دمشق: المناره، ۱۹۹۷
- ۱۸- سرور، نجیب، *رحله فی ثلاثیه نجیب محفوظ*، قاهره: دار الشروق، ۲۰۰۷
- ۱۹- السکوت، حمدی، *بیبیوجرافیا تجربیه و سیره حیاة و مدخل نقدی*، قاهره: الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۲۰۰۷
- ۲۰- الغیطانی، جمال، *نجیب محفوظ يتذکر*، بیروت: دار المسیره، ۱۹۸۰
- ۲۱- زهیری، کامل، *مائه امرأه و امرأه*، قاهره: الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۲۰۰۲
- ۲۲- النقاش، رجاء، *نجیب محفوظ: صفحات من مذكراته و أضواء جدیده علی أدبه و حیاته*، قاهره: مؤسسه الأهرام، ۱۹۹۸
- ۲۳- قرنی، عزت، *فن الابداع الفنی عند نجیب محفوظ*، قاهره: الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۲۰۰۵
- ۲۴- *نجیب محفوظ و الفن الروائی، گروهی از بزرگان فکر و استشراف*، گردآوری: عبد الحمید ابراهیم، قاهره: الهيئه العامه لقصور الثقافه، ۲۰۰۲
- ۲۵- شکری، غالی، *المتممی: دراسه فی أدب نجیب محفوظ*، قاهره: مکتبه مصر، ج ۲، ۱۹۸۷



دانشگاه اسیوط



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir